

گفت و شنود و تدریس آن

■ دکتر سید اکبر میرحسینی

□ دانشیار گروه آموزش زبان انگلیسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

تعداد بین تجربیات عملی و تحصیل در مدارس یکی از مسائل اصلی آموزش و پرورش، و بخصوص آموزش زبان است. برای موفقیت در تدریس زبان، استفاده از تجربیات دیگران، «دانش به موضوع و تسلط بر آن»، آشنایی با فنون تدریس و شیوه‌کار با زبان آموزان از ضروریات است. آگاهی از اصول لازم برای تدریس و بررسی دیدگاه‌های نویسندگان مختلف درباره آموزش زبان، برای معلمان این رشته بسیار مفید است. در این مقاله، نظرهایی که می‌تواند در تدریس زبان شفاهی یا گفتاری مؤثر افتد، مطرح شده و بعضی از راهبردهای مهم و ارزیابی آنها به طور خلاصه آمده است و نتایج کار معلمان و سازمانهای موفق در امر آموزش زبان فصیح و در یک کلمه، «دوزبانه شدن» عرضه شده است.

گفت و شنود و تدریس آن

مهارتهای گوش دادن و صحبت کردن پس از سالها بی‌توجهی، در اکثر کشورها، مورد اقبال قرار گرفته است. مثلاً در انگلستان، «طرح ملی بیان محاوره» در سال ۱۹۹۳ تشکیل شد و در مورد برنامه‌های درسی و گسترش آن فعالیت کرد. این کار به دنبال تشخیص دولت مبنی بر نیاز به اصلاح و بهبود وضع زبان شفاهی یا بیان در مدارس انجام شد و



بودجه‌هایی برای اجرای آن تصویب گردید^(۱). در این حرکت ملی، متخصصان آموزش زبان، دبیران و دانش پژوهان زیادی شرکت کردند و کارشان بررسی و گسترش نقش بیان در فرایند یادگیری زبان با تشویق به یادگیری فعال، تدریس مهارت‌های ارتباطی، ارزشیابی زبان از راه بیان و ارتباط، بهبود کنش‌های دانش‌آموزان طی برنامه‌های درسی، بالابردن مهارت معلمان و شناساندن ارزش زبان شفاهی در یادگیری زبان بود^(۲).

طرح فوق به دنبال «طرح ملی نگارش» آغاز شد و مدارس را ملزم به اجرا و تحقیق در موارد زیر کرد:

۱. صحبت کردن در سالهای اولیه؛

۲. تنظیم کلاس برای صحبت کردن و یادگیری آن؛

۳. تشویق محصلان به صحبت کردن؛

۴. داستان‌سرایی و قصه‌گویی؛

۵. استفاده از شیوه کار گروهی (گروه‌های کوچک در کلاس)؛

۶. ارزیابی منظم از پیشرفت زبان‌آموزان در صحبت کردن؛

۷. تشویق زبان‌آموزان به صحبت کردن در اجتماعات.

در موارد فوق، معلمان و مدارس آزاد بودند که زمینه‌های خاصی را انتخاب کرده، روی آن کار کنند. البته از طرف مسئولان طرح تأکید شده بود که کار ارزیابی همیشه بعد از شروع فعالیت، یعنی صحبت کردن، انجام گیرد و سؤال‌هایی که مدنظر قرار می‌گرفت عبارت بود از:

چه کسی، کجا و درباره چه حرف می‌زند؟

آیا موضوع صحبت با کار او ارتباط دارد؟

آیا زبان‌آموزان در مدرسه زبانی غیر از زبان رسمی به کار

می‌برند؟

آیا در خصوص صحبت کردن، تفاوتی بین دخترها و پسرها وجود دارد؟

آیا زبان‌آموزان آرام همیشه کم‌حرف هستند؟

چه نوع صحبت‌هایی در فعالیتهای مختلف آنان به کار برده می‌شود؟

معلم کلاس چگونه صحبت می‌کند؟ آیا خوب گوش می‌دهد؟

برخورد زبان‌آموزان نسبت به صحبت دیگران چگونه است؟

وقتی به طور گروهی کار می‌کنند، چه اتفاقی می‌افتد؟

زبان‌آموزان در غیاب معلم چگونه صحبت می‌کنند؟^(۳)

1. Susan Brindly;
Teaching English,
London: Open
Press, University
1995, p.34.
3. John Johnson;
"The National Oracy
Project",
Teaching English,
ed. Brindly, London:
O.U.P, 1995, p.35.

1. Ibid, p.36

برای یافتن پاسخ سؤالهای فوق، معلمان توانستند شواهدی به شرح زیر به دست آورند: تک تک زبان آموزان را در طول روز یا هفته مورد بررسی و مشاهده قرار دادند و جزئیات محلهایی که می‌رفتند، آنچه می‌گفتند یا انجام می‌دادند و دلیل آنها را یادداشت کردند. صدای زبان آموزان را وقتی که به طور گروهی کار می‌کردند، ضبط کردند. هنگام کار انفرادی نیز صدای آنها ضبط می‌شد. نظر زبان آموزان را در مورد صحبت کردن جویا می‌شدند و نظر آنها را در زمینه‌های خاص برنامه یا محیط کلاس می‌پرسیدند. هر کودک را یک روز تمام زیر نظر داشتند و فعالیت‌های گفتاری او را ضبط می‌کردند. این کار را در صدها مدرسه با هزاران معلم و هزاران هزار زبان آموز انجام دادند و نتایج نشان داد که میزان و دامنه صحبت زبان آموزان بسیار گسترده و اعجاب انگیز است و تنها معلمان آنها را در صحبت کردن محدود می‌کنند یا مانع آن می‌شوند. زبان آموزان در گروه‌های کوچک بسیار فعال هستند، بخصوص اگر بدانند نقش آنها چیست و چه کار باید انجام دهند و پیام‌های مربوط به ارزشها، صحبت کردن در کلاس و فعالیت‌های گروهی را بیابند.^(۱)

در این راستا، معلمان برای به حرف آوردن زبان آموزان شیوه‌های مختلفی را به کار می‌بردند که مهمترین آنها شستشوی مغزی، حل معما، کارهای گروهی دو نفره یا چهار نفره، یافتن راه حل برای یک مسأله یا مشکل، ایفای نقش، انتقاد و امثال آن بود. در این فعالیتها، معلمان سعی داشتند زبان آموزان را هر چه بیشتر به صحبت وادارند و از تمام فنون ممکن استفاده کنند.

بر آوردن نیازهای زبان آموزان مسأله دیگری بود که به آن توجه خاصی مبذول می‌شد و معلمان در طی بررسیهای خود متوجه شدند که پسران و دختران دارای نیازها، تجربیات، نگرشها و انتظارات متفاوتی هستند و معلم باید در مواقع مختلف، از راهبردهای خاصی استفاده کند. بخصوص مشاهده شد که پسران از کار کردن و فعالیت در گروههایی که دختران حضور داشتند امتناع می‌ورزیدند و اگر هم در آن گروهها شرکت می‌کردند، نقش هدایتگر به خود می‌گرفتند و از بیان عواطف و احساسات خودداری می‌کردند و غالباً معتقد بودند که دختران زیاد حرف می‌زنند یا حرفهای آنها ناراحت کننده است.



1. Ibid, p.36

اگر چه مشکلات و مسائل پیچیده‌ای برای معلمان به وجود می‌آید، آن را برای کار خود با ارزش می‌دانستند و برای شرکت فعال زبان آموزان در مطالعه و صحبت کردن در کلاس، مراقبت و توجه بیشتری را توصیه می‌کردند. به نظر آنان راهبردهای موفق در این زمینه عبارتند از: قرار دادن زبان آموزان در کنار افراد سازگار و متناسب با آنها در هر گروه، دادن نقش پرسشگر و مصاحبه‌گر به آنها، طرح اجرای کارهای گروهی مشخص در زمانی محدود، همفکری لازم با زبان آموزان، ضبط صحبت تک تک زبان آموزان و استفاده از بلندگو در صورت نیاز، دادن دستگاه ضبط به آنها برای ضبط کار و فعالیت‌های شفاهی، توضیح کامل وظایف و فعالیت‌ها برای آنها و استفاده از نمایش، ایفای نقش، شعبده‌بازی و امثال آن^(۱).

در طی این فعالیت‌ها، معلمان به مشکلات دو زبانه‌ها و کسانی که دارای لهجه خاصی بودند و امکان داشت که مورد استهزای دیگران قرار گیرند، توجه خاصی مبذول می‌داشتند و با توضیحات خود، بقیه را متقاعد می‌کردند که به این نوع افراد هم باید اجازه صحبت کردن داد و گاه شنیدن لهجه‌ها، عادات و رسوم دیگران بسیار جالب است و می‌تواند موضوع خوبی برای بررسی، گفتگو و آشنایی با این فرهنگها باشد.

برای تقویت بیان در زبان آموزان، فعالیت‌های زیر ضروری است؛ و در ضمن، نحوه اجرا و حتی محل آن را نیز می‌توان پیشنهاد کرد که مواردی از آن به شرح زیر است:

بیان احساسات و عقاید درباره خود، فعالیت‌ها و مطالب درسی؛ شرکت در بحث‌های گروهی؛ ارائه نظرها، اطلاعات و متون؛ تفسیر بحث‌ها و بسط آنها؛ تمایز حقیقت از عقیده؛ خلاصه کردن دیدگاه‌ها برای کسب آگاهی؛ آموزش و پاسخ به سؤالها؛ انتقال اطلاعات؛ ایفای نقش؛ اندیشیدن درباره صحبت‌های خود و یادگیری شیوه صحبت با دیگران؛ صحبت‌های توضیحی (پیش بینی فرضیه‌های نظری) و در نهایت، نشان دادن دانش زبانی.

برای عملی کردن نظرهای فوق، فعالیت‌های زیر می‌تواند مفید باشد: تهیه و تنظیم سخنرانی در کلاس و مدرسه برای زبان آموزان، دبیران و والدین؛ طرح و برنامه‌ریزی وظایف و فراهم کردن شرایط برای آنها؛ تعیین بازده مشخص برای کارها؛ بیان و بررسی نظرها؛ گزارش و

بحث درباره داستانها، شعرها، نمایشنامه‌ها و امثال آن؛ استدلال و بحث در موارد جالب و مناسب برای سن آنها؛ فعالیت مشترک در خواندن و نوشتن، تقلید و اجرای نمایشنامه‌ها به طور گروهی و بحث و تحلیل درباره زبان.

البته این فعالیتها می‌تواند در کلاس درس، سالن مدرسه و با استفاده از امکانات مختلفی چون ویدیو، تلویزیون و رایانه انجام پذیرد.^(۱)

1. Ibid, p.39
2. Brindly, op.cit., p.40
3. Johnson; op.cit.p.41

در ابتدای کار، ممکن است صحبت کردن یک کار ناآشنا و بی‌اهمیت به نظر آید و برای ارزشیابی موقعیت، دانش، درک و مهارت زبان آموزان مناسب ننماید، چون روشهای موجود برای بررسی این مهارت مناسب و هماهنگ نیست، ولی معلمان با استفاده از فعالیتهای فوق به زبان آموزان فرصت می‌دهند دانش خود را بهتر نشان دهند و حتی به مرحله عمل در آورند. این نوع ارزشیابی با درک یا شناخت زبان آموزانی که نیاز به نشان دادن دانش و اطلاعات خود در زمینه‌های خاصی دارند، نوعی ارزیابی معتبر و پایا برای ایجاد ارتباط و بیان نظرهای زبان آموزان شناخته شده است.^(۲) علاوه بر آن، معلمان باید همیشه در نظر داشته باشند که وقتی زبان آموزی صحبت می‌کند، همه دانش خود را نشان نمی‌دهد و معلومات یا دانش او همچون کوه یخی در اقیانوس است که قسمت اعظم آن زیر آب مخفی است. ضمناً نشان دادن دانش کامل هر فرد در صحبت با دیگران بسیار مشکل است، بخصوص اگر گوینده بداند که مخاطب او اطلاعات بیشتری دارد. سوءتفاهم یا متوجه نشدن مطلب نیز فرد را از بیان دانش خود باز می‌دارد. بنابراین، در ارزشیابی شفاهی، همانند کتبی، توجه به فعالیتهای هر فرد در طی کلاس و تحصیل باید مدنظر قرار گیرد و به همین دلیل، ارزشیابی نمی‌تواند منحصر به امتحان باشد؛ چون زبان آموزان در موقعیتهای مختلف و خارج از کنترل و فشار، بسیار خوب عمل می‌کنند.

برای رفع بعضی از مشکلات تقویت بیان و ارزشیابی آن، فردی به نام آلن هو^(۳) بررسی دیگری انجام داد و جنبه‌های متفاوتی را وارد عمل کرد. او داستانی را که یکی از زبان آموزان برایش گفته بود برای دیگران بازگو کرد. این داستان درباره دختر کمروبی بود که از شرکت در فعالیتهای جمعی اجتناب می‌کرد، ولی وقتی با اصرار از او خواسته



شد در یک فعالیت جمعی شرکت کند، این مطلب را با خواهرش در میان گذاشت و شروع به بحث درباره مزایا و مضرات آن کرد. در حقیقت، او با این کار، وارد یک دوره جدید همراه با بحث و اظهار نظر شد و شروع به صحبت و بیان اوضاع و احوال کرد. با توجه به چنین مواردی، روشن است که زبان آموزان باید به شیوه‌های مختلف در مدرسه و با همکلاسیهای خود صحبت کنند و برای شرکت در جامعه‌ای ناآشنا و پر از نشیب و فراز، آماده شوند. حال آنکه واقعیت چنین نیست و زبان آموزان غالباً دور از چشم دیگران یا در بازیهای دو نفری براحتی صحبت می‌کنند، ولی در جمع و بخصوص هنگام حضور افرادی چون معلم، دبیر یا مدیر خجالت می‌کشند و سعی دارند که ساکت بمانند. علت اصلی این است که کودکان زبانی مخصوص به خود دارند و مایلند که به آن زبان نظرهای خود را بیان کنند، نیازمند شناساندن قدرت و توانایی خود در استفاده از زبان هستند و دوست دارند در گفتگوها، بحثها، مشاوره‌ها، مذاکرات، پیگیریها، پاسخگویی به سؤالات، سؤال کردن، نقد و بررسی و انواع فعالیتها شرکت جویند، ولی ممکن است فرصت برای چنین فعالیتهایی پیدا نکرده باشند. این علاقه و تلاش را در مشاهدات ویلکینسون^(۱) می‌بینیم که چنین گزارشی می‌دهد:

زبان آموزان یازده ساله یک کلاس به دو گروه چهار نفری تقسیم شده بودند و در این مورد بحث می‌کردند که آیا حقوق افراد با اعلام «در محلهای عمومی سیگار نکشید»، تهدید می‌شود یا نه. در هر گروه، یک نفر مسئول تهیه خلاصه‌ای از بحث آن گروه بود. او با ایستادن در جلو کلاس گزارشی یک دقیقه‌ای از نظرهای افراد گروه خود ارائه می‌کرد و یکی از اعضای گروه دیگر در مورد آن خلاصه به اظهار نظر می‌پرداخت و مثلاً می‌گفت که:

۱. آن خلاصه تا چه حد واضح و روشن بود؛
۲. آیا گوینده مرتباً از لغات و ساختارهای مشابه استفاده می‌کرد؛
۳. آیا گوینده توانست بحث را به گونه‌ای جالب توجه ارائه کند یا نه؛
۴. آیا او فقط یک دیدگاه را ارائه کرد یا توانست چند نظریه مختلف را بیان کند؛
۵. آیا گوینده به همه حضار توجه داشت یا فقط به یک طرف نگاه می‌کرد؛
۶. آیا روان صحبت می‌کرد یا مکثهای مکرر داشت؛

1. Andrew Wilkinson;
Spoken English I
Illuminated, ed.
Wilkinson, ed.
Wilkinson, London:
Oxford University Press,
1990.

1. H.Duly et.at.
Language Two
London: Oxford
University Press, 1982.
2. Gillian Brown et.at.;
Teaching Talk
Strategies for
Production and
Assessment, Cambridge:
Cambridge University
Press, 1984, p.45.
3. Dauglas Barnes;
From Communication
to Curriculum,
London: Penguin,
p.47.1976,

۷. آیا همه حضار، و بخصوص افراد عقب کلاس، صدای او را می شنیدند یا نه؟

۸. آیا سرعت بیان او مناسب کلاس بود یا نه.

بعد از منتقد، افراد دیگر نیز نظرهای خود را بیان می کردند و گاهی نظرهای انتقادهای غیرمنصفانه همراه بود، اما همه زبان آموزان در این فعالیت شرکت می کردند و بدین ترتیب، زبان آموز مطلبی را به طور شفاهی ادا می کرد که هدف اصلی معلم را برآورده می ساخت و آنها را از حالت سکوت بیرون می آورد. (۱)

به هر حال، باید توجه داشت که هر کودک با نوعی زبان عامیانه، یا به عبارت دیگر، زبان خانوادگی به مدرسه می آید که با زبان دیگران تفاوت زیادی دارد و به همین دلیل، از صحبت کردن در جمع یا در مقابل دیگران اجتناب می کند و عده ای نیز از این کار وحشت دارند و این امر بر زبان آموزی آنها اثر می گذارد. بنابراین، معلم علاوه بر آموزش زبان صحیح از نظر واژگان، تلفظ، ساختار و نکات خاص زبانی، باید تشویق و ترغیب زبان آموزان را به صحبت کردن در کار خود منظور کند و از آن غافل نشود.

در کتابی به نام آموزش بیان، نوشته جیلیان براون، شیوه منظمی برای تدریس زبان شفاهی یا گفتاری به شرح زیر آمده است:

چون اکثر محصلان در صحبتها و گفتارهای اطلاع رسانی خود برای انتقال اطلاعات خوب عمل نمی کنند، اعتقاد بر این است که باید به منظور کنترل و انتقال اطلاعات صحیح در صحبتها، آموزش کافی و بهتری ببینند. اگر قرار است چنین کاری انجام شود، باید برنامه درسی منظمی تهیه گردد که نیاز به ساختار خاصی دارد و طی آن، زبان آموزان ابتدا انتقال اطلاعات نسبتاً آسان و بتدریج انواع مشکلتر را بیاموزند. (۲)

دیدگاه دیگری را داگلاس بارنز (۳) ارائه کرده که مقایسه آن با نظر قبلی می تواند مفید باشد. او می گوید وقتی از محصلی خواسته می شود



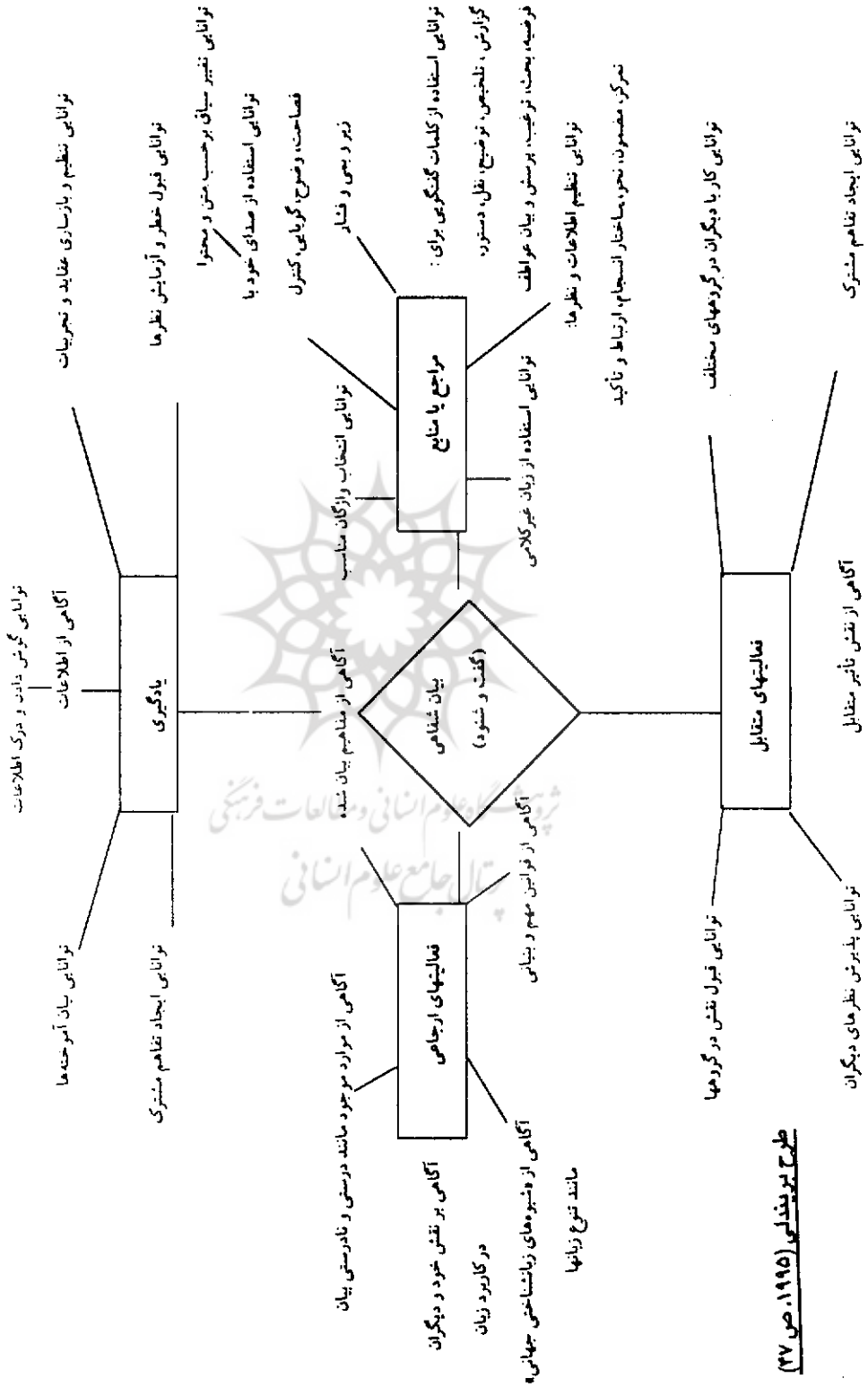
که زبان را برای بیان تجربیات تازه یا تنظیم تجربیات قبلی به کار گیرد، به احتمال قوی از زبان متفاوتی استفاده می‌کند. این عمل برای اتخاذ سبک دیگران و تقلید آن کاری بس مشکل است و برعکس، اولین قدم به سوی الگوهای فکری و عاطفی تازه و شیوه ارائه آنهاست.

به هر حال، باید تأکید بر کاربرد زبان شفاهی باشد و زبان آموزان استفاده صحیح و مؤثر زبان را بیاموزند و خود را برای صحبت کردن و گوش دادن آماده کنند. تلاش معلم و زبان آموز در مدرسه اولین قدم در این راه است و نباید آن را نادیده گرفت. برای روشنتر شدن مطلب و ارتباط جنبه‌های مختلف یادگیری و تمرین بیان شفاهی و گفتگو، بریندلی طرحی ارائه کرده است که عیناً نقل می‌شود (طرح صفحه بعد). این طرح می‌تواند نقطه شروعی برای مربیان باشد؛ چون جهت‌های رشد زبان را نشان می‌دهد و هدف آن ایجاد و رشد توانایی درک و بیان زبان در کودکان (زبان آموزان جوان) است؛ زبانی که بتواند نیازهای شناخته و ناشناخته آنان را در شرایط بسیار متفاوت و گسترده جامعه برآورده سازد.

آنچه معلم، بخصوص معلم زبان (مادری و خارجی) باید مورد توجه قرار دهد این است که قبل از برنامه‌ریزی، تهیه طرح درس و قرار دادن زبان شفاهی در آن از خود بپرسد که کودکان در چهار، پنج سال اول زندگی و قبل از ورود به مدرسه زبان را چگونه می‌آموزند. اکثر زبان آموزان وقتی وارد کلاس می‌شوند، زبان مادری خود را بسیار روان صحبت می‌کنند و طوری رشد یافته‌اند که علاوه بر شنونده خوب بودن، در شرایط عادی، نظر خود را ولو کودکانه، بیان می‌دارند. با مشاهده چنین افرادی می‌توان این سؤال را از خود پرسید که بدون آموزش رسمی زبان، چه عامل یا عواملی باعث ایجاد مهارت‌های زبانی شده است تا معلمان نیز در مدارس از آنها استفاده کنند.

آقای کارث بومر شرایطی را فهرست کرده است و آنها را برای یادگیری زبان مفید می‌داند که به طور خلاصه در زیر می‌آید:

کفایت و شنود و تدریس آن





۱. همراه کردن فعالیتهای مختلف با صحبت، همانگونه که کودکان انجام می‌دهند؛

۲. توجه و همراهی کردن، همانند آنچه بزرگترها در کار با کودکان عمل می‌کنند؛

۳. بر آوردن نیازها که خود دلیل یادگیری و صحبت کردن است؛

۴. صرف وقت با بزرگترها و گذراندن زمان در طی صحبت و برخورد با کودک به عنوان یک طرف مطلوب گفتگو برای دریافت و فراگیری کلیه مهارتهای لازم در تعامل زبانی؛

۵. بازی با کلمات که همیشه مورد توجه و شادی آفرین است - کودکان با شکستن قوانین آنها را می‌آموزند و این امر باعث رشد ارتباطی آنها می‌شود؛

۶. تلاش برای استفاده از زبان در شرایط واقعی؛

۷. گسترش محتوا با توجه به تجربه کودک و ایجاد فرصت برای صحبت کردن درباره موضوعات مختلف و با افراد مورد علاقه؛

۸. صحبت‌های توضیحی برای سؤال کردن و پاسخ گرفتن، فرضیه‌سازی، تعمق و نترسیدن از گفتگو.^(۱)

از موارد فوق چنین نتیجه گرفته می‌شود که در دوره‌های ابتدایی زبان آموزی، بزرگترها باید در صحبت با کودکان جدی بوده، انواع مختلف الگوهای زبانی لازم را به کار ببرند تا آنها در مواقع ضروری، با انتخاب و تحول ساختارهای مناسب نیازهای گفتاری خود را برآورده سازند. نقش بزرگترها در این فعالیت حالت متقابل داشته، برای کمک به گوینده است. این نوع اطلاعات ممکن است در زمینه‌های مختلف تدریس مفید واقع شود، اما در اکثر مدارس، هیچ اثری از موارد ذکر شده مشاهده نمی‌شود و بیشترین تأکید بر نگارش، دستور زبان و فعالیتهای نظری است و در نتیجه، صحبت کردن یا به طور کلی گفت و شنود از دور خارج می‌شود، چه رسد به بیان نظرهای جدید، بحثهای منطقی، درک تجربیات و یافتن پاسخ مناسب برای آنها.^(۲)

متأسفانه با نگاهی به روند کار در مدارس، به نظر می‌رسد که گفت و شنود از کلاسها رخت بر می‌بندد و دلایل زیادی وجود دارد که چرا صحبت کردن تشویق نمی‌شود. معمولاً معلمان در پاسخ به این سؤال می‌گویند به خاطر جلوگیری از به هم ریختگی یا عدم کنترل و نظم و ترتیب، کمبود وقت بخصوص در دبیرستانها، نظام امتحان و سنجش

1. G.Boomer; Fair
Dinkam Teaching
Learning, and
Jersey: New Bayntonl
1985. Cook,
2. Brian Cox;
"The National
Curriculum in English",
English, Teaching
ed. Brindly,
O.U.P., London p.78.:

کشور، مشکل ارزیابی معلمان و وضع کلاسها و تعداد دانش آموزان ممکن است صحبتها از نظر آموزشی منحرف شده، به موضوعهای دیگر کشیده شود. لذا به پیروی از روش تدریس متداول، امکان صحبت کردن وجود ندارد.

البته در این مورد، معلم، میزان اطلاعات علمی او و امکانات و تجهیزات می تواند نقش مؤثری داشته باشد، ولی بعضی از مشکلات ریشه عمیق در نظام آموزشی دارد و در کلاس می توان بر محدودی از آنان فایق آمد و معلمان نیز در مقابل آنها احساس مسئولیت می کنند.^(۱)

1. A. Howe "Releasing Pupil Talk",
Education, English
Brindly, ed. London:
University Press, Open
pp. 43-54.1995,

با توجه به نکات فوق باید دید که چگونه می توان اوضاع را برای صحبت کردن یا گفت و شنود زبان آموزان آماده کرد. اغلب تحقیقات انجام شده راههای نیل به این هدف را ارائه نمی دهند. واقعیت این است که برنامه آموزشی زبان و شیوه تدریس آن تا حدی برای معلمان غیرقابل تغییر به نظر می رسد؛ به عبارت دیگر، برنامه آموزشی شبیه سنگ ثابت و بزرگی در مسیر تدریس است؛ مسیری که در بعضی قسمتها با خاک غنی و مستعد یادگیری پوشیده شده، ولی در بیشتر موارد بسیار ضعیف، کم عمق و بی قوت است و امکان رشد دراز مدت و دست یافتن به حاصل مطلوب را کاهش می دهد. در چنین وضعی، فقط تعداد بسیار معدودی از قوی ترین و پیکیرترین افراد تاب مقاومت دارند و تغییر اوضاع یکی از اصلی ترین راههای اصلاح کار است؛ نه دست روی دست گذاشتن، صبور بودن و به امید معجزه نشستن.

به هر حال، در تلاش برای تدریس گفت و شنود، نکات زیر که در بحث با همکاران و بر اثر تجربه حاصل آمده، می تواند مورد توجه قرار گیرد.

۱. اول یادگیری، بعد صحبت. اگر زبان آموزان مطالب را واقعاً یاد بگیرند، می توانند از آن برای صحبت کردن استفاده کنند. گفت و شنود مهم است، ولی فهمیدن مهمتر بوده، بدون آن گفتگو و صحبت



امکانپذیر نیست. درک کامل و استفاده از آن باهم ارتباط دارند.

۲. اول ایجاد انگیزه و میل به صحبت، بعد ارزیابی. معلم باید نوع فعالیتی را که می‌خواهد در کلاس خود انجام دهد مشخص کند و زبان آموزان را به انجام دادن آن راغب سازد و سپس شیوه ارزیابی آن را مورد توجه قرار دهد.

۳. تسلط بر دیدگاههای تدریس. معلم باید از روشها، فنون و فرصتهای مناسب برای تدریس آگاه بوده، از آنها به بهترین وجه استفاده کند. گفت و شنود نباید مانند مهارتهای دیگر تصور شود، بلکه باید آن را راهی برای کمک به زبان‌آموزان در انتقال معنی و ایجاد ارتباط دانست. برای رسیدن به این مفهوم، معلم نیاز دارد از ارزش خاص آن برای گسترش علم، ایجاد تفاهم و تعامل متقابل آگاه باشد.

۴. کلاسهای انعطاف پذیر. برای گفت و شنود، کلاس باید محیطی قابل انعطاف و پذیرا برای صحبت‌های دو نفره، چند نفره و حتی گروهی باشد. معلم هم باید انعطاف پذیر بوده، در طرح این نوع فعالیتها و اداره آنها توان کافی داشته باشد. صحبتها بهتر است درباره موضوعات درسی، مدرسه‌ای یا حتی اجتماعی، ولی کنترل شده، باشد.

۵. صحبت درباره هر موضوعی نشاندهنده خصوصیات آن است. شیوه صحبت کردن تحت تأثیر موضوع و افراد درگیر در گفت و شنود است و چون حالت تعاملی دارد، کنترل افراد درگیر کمتر از موضوع محسوس است. البته این حالت در صحبت کردن مشهودتر از نگارش است و علت آن این است که گوینده کار خود را ناخودآگاهانه‌تر انجام می‌دهد و مرتب از محیط و اطرافیان، بازخورد و اشارات و علایم زبانی دریافت می‌دارد. معلم نقش مهمی در هدایت، شکل دادن و بسط گفت و شنود دارد و اجتناب از نکات مبهم، بحثهای غیرمنطقی و فرضیه‌های غلط ضروری است.

۶. دخالت معلم. معلم باید بداند که چه مواقعی دخالت کند و چه زمانی زبان آموزان را به حال خود بگذارد. در مراحل اولیه، دخالت

کمتر بهتر است و فقط هنگامی که دچار مشکل می‌شوند، مناسبتر می‌نماید. تماس و دخالت باید برای دریافت نظرها و اندیشه‌های خاص زبان آموزان انجام گیرد و شیوه آن بسیار مهم است، چون افراد مختلف در مقابل سؤالات، پاسخهای متفاوتی از خود ابراز می‌دارند. معلم نباید کاری کند که زبان آموزان خود را فاقد قدرت بیان نظر یا پوچ احساس کنند و این احساس برای همیشه در مقابل بزرگترها باقی بماند یا حتی تقویت شود.^(۱)

1. R. Essex; "Oracy Matters" *Journal of Wiltshire Oracy project, Wiltshire: L.E.A., 1987, p.69.*
 2. J. Smith; "Oracy Matters" *Journal of the Wiltshire Oracy Project, Wiltshire: NATE, p.54.*

موارد فوق کامل و قطعی نیست، ولی در بین معلمان و زبان آموزان تاحدی مشترک است؛ چون معمولاً هر معلمی سبک و شیوه خود را به کار می‌برد. بحث یا گفت و شنودها معمولاً با طرح نکات مبهم، توجه به یک گروه در کلاس و فراموش کردن دیگران شکست می‌خورد. توجه معلم به زبان آموزان و آنچه می‌گویند، کمک و هدایت بحث، تشویق به ادامه و بیان توضیحات لازم بسیار مفید است. گفت و شنود در کلاس می‌تواند موفق باشد، اگر تنوع بحث و نقش افراد در این تعامل مورد توجه قرار گیرد و حتی نقشهایی برای هر زبان آموز از قبل مشخص شود.

تدابیر و فنون مربوط به صحبت کردن خیلی مهمتر و ظریفتر از استفاده از راهبردهای تدریس و آموزش است. اگر ملزم به درگیر کردن زبان آموزان در گفت و شنود هستیم و آن را نکته اصلی و مهم تدریس خود می‌دانیم و می‌خواهیم صدای زبان آموزان بیشتر شنیده شود و فعالیت گسترده‌تری داشته باشند، باید در تجربه آموزش خود بازنگری کرده، تغییراتی اساسی در آن بدهیم تا در نتیجه، شیوه اداره کلاس و نقش معلم و زبان آموزان متحول شود. در این مورد اسمیت می‌گوید: «ما باید گفت و شنود را جزئی از کار اصلی هر معلم دانسته، با این عمل، زبان آموزان را در یادگیری آن فعالتر کنیم»^(۲). در این تلاش، کسی از خود گذشتگی و حوصله برای هر معلم لازم است و صرفاً با صرف وقت نه چندان زیاد، ولی با علاقه می‌توان این مشکل آموزشی را



برطرف کرد و تدریس زبان را آنگونه که شایسته و بایسته است انجام داد.

برای نشان دادن اهمیت گفت و شنود و تأکید بر آن، جینی فانیتن نیز معتقد است که اگر زبان آموز بتواند صحبت کند، ارتباط برقرار نماید و مطالب مختلف را با دیگران بحث کند، زبان را خیلی سریعتر از زمانی یاد می‌گیرد که معلم در جلو کلاس بایستد و اطلاعات را به او منتقل کند؛ ولی گاهی معلم نیز متوجه این موضوع نیست.^(۱) در این حالت، فقط یادگیری انجام نمی‌شود، بلکه همراه با آن یادآوری و درک مطلب هم وجود دارد که به طور کلی می‌توان آن را «دانش عملی» نامید.^(۲) مطالبی که در مدارس تدریس می‌شود، نوعی انتقال دانش است و تعلق واقعی به زبان آموز ندارد. او باید شخصاً فعال و خلاق باشد و با تمرین و استفاده آگاهانه، قدرت خود را در این مهارت گسترش دهد. وقتی مطالب در عمل به کار برده شد و با دیدگاههای فرد درآمیخت تا نکته یا نظر جدیدی بیان کند، «دانش عملی» به وجود می‌آید. در زیر مطالبی درباره شیوه‌های تدریس و نکاتی که می‌تواند به این مطلب کمک کند آمده است. معلم زبان می‌داند که یادگیری و کاربرد زبان به هم مربوط هستند و انسان از طریق گفت و شنود آن را می‌آموزد، قدرت خود را به عنوان گوینده یا شنونده افزایش می‌دهد و در مواقع خاص زندگی یا جامعه، از توان زبانی خود بهره‌هایی می‌گیرد. در این باره، ویگوتسکی، بیاژره، برونر و عده‌ای دیگر نظرهایی ابراز داشته‌اند که زیر بنای بحث‌های علمی در این مورد و موارد دیگر است.

برای یادگیری زبان آموزان، معلم باید در کلاس درس شرایطی ایجاد کند که یادگیری از طریق صحبت کردن انجام پذیرد. برای تحقق این امر، گوش دادن دقیق به آنچه می‌گویند و ارزش نهادن به نظرها بسیار مهم است. طراحی فعالیت‌های متنوع و گسترده برای صحبت کردن و شنیدن و فهمیدن هدف اصلی تدریس بوده، بسیار مفید است. مهمتر از همه، باید به قدرت یادگیری زبان آموزان ایمان داشت و برای کسب تواناییهای لازم برنامه‌ریزی کرد. در هر نوع روشی، تنها فرد مؤثر، زبان آموز است و اوست که باید یاد بگیرد. تدریس فقط انتقال صرف مطالب به ذهن زبان آموز نیست؛ ایجاد فرصت برای کار، تمرین، درک، استفاده از اطلاعات و نظرهای تازه و تفسیر آنها راهی است برای تکمیل معلومات و تلاش در جهت بهبود و تکامل ذهنیات قبلی او.

1. Jenny Fountain;
"Planning for Learning
through Talk",
Teaching English,
ed. Brindly, London:
University Press, Open
p.551995,
2. Barnes; op. cit.

صحبت کردن یکی از ابزارهای انعطاف‌پذیر و قابل دسترس جوانان برای درک مطالب و یادگیری است. گاهی همراه کردن نگارش با صحبت می‌تواند مفید باشد و باز خورده‌های آن در فعالیتهای بعدی مؤثر واقع می‌شود. البته هنگام صحبت کردن می‌توان تمام جزئیات مورد نظر را به شنونده منتقل کرد. در مرحله اول، نظرها ممکن است نارسا و مبهم باشند، ولی با مرور و تجدید نظر در جمله‌بندی و اظهار آنها، روشنتر می‌شوند. معلم نیز در این روند نقش مؤثری دارد و فرصتی به دست می‌آورد تا به زبان آموزان خود گوش دهد و تا حدی شرایط و میزان فراگیری آنان را دریابد.

1. Connie & Floyd
Shoemakers; *Interactive
Techniques for
Classroom*, Boston:
the SLE
Heinle & Heinle
Publishers, 1991,
pp.1-12.

برای تشویق زبان آموزان و فعال کردن آنها راهبردهایی وجود دارد. معلم می‌تواند اول آنها را به گروه‌های کوچکی تقسیم، و سپس به صحبت کردن دعوت کند. چند نمونه از این فعالیتهای عبارتند از: تکرار و تمرین، مصاحبه باهم و مرور بر صحبت‌های قبلی و تعیین خط مشی آینده. مهمترین عامل در یادگیری زبان آموزان، چه در مدرسه و چه خارج از آن، درک الگوهای موجود، به کار بردن آنها و سپس بازسازی آنها برای استفاده در شرایط واقعی است. صحبت‌های گروهی و دو نفره می‌تواند در این زمینه کمک قابل توجهی باشد. تا زمانی که فرد حرف نزند، نمی‌داند که چه می‌خواهد بگوید. بنابراین، ایجاد فرصت برای بیان ساده‌ترین نظرها و اندیشه‌ها لازم و مفید است. برای تقویت این امر، استفاده از بازیهای مختلف و بحث درباره موضوعات با شرکت زبان آموزان به صورت گروه‌های دو یا چند نفره و حتی انفرادی، بسیار مفید است. انواع فعالیتهای تعاملی و آنچه شومیکر در کتاب *فنون تعاملی در کلاس زبان آورده*،^(۱) می‌تواند برای ایجاد مهارت و قدرت گفت و شنود در زبان آموزان به کار برده شود و آنها را در این راه یاری دهد. در درس‌هایی که خوب طراحی شوند، زبان آموزان جملاتی صحیح و دست اول برای شنوندگان، یعنی همکلاسیهای خود، بیان می‌کنند و در این کار، معلم می‌تواند با گفتن جمله‌ای مثل «ببینید



1. Brirdly; op.cit.

دوستانتان چه نظری درباره این موضوع دارند»، توجه همه زبان آموزان را جلب کند. زبان آموزان کمرو و ساکت نیز در این حالت شروع به صحبت و گوش دادن می‌کنند. نوشتن یادداشتهای روزانه و خواندن آن برای دیگران، خواندن شعرهای کوتاه و جالب، مرور یادداشتهای مربوط به بحثهای کلاسی و گروهی، مصاحبه با افراد مورد علاقه و گزارش آن، اظهار نظر درباره یادگیری موفق و ناموفق و در نهایت بررسی نوارهای ضبط شده از فعالیتهای زبان آموزان و تأکید بر جنبه‌های مثبت آن، همگی در ایجاد و بسط قدرت گفت و شنود مؤثر است.

از جمله کارهای ضروری، ارزیابی گفت و شنود است تا حاصل تلاش معلم و زبان آموزان تا حدی مشخص شود. ارزیابی می‌تواند به صورت بحث با زبان آموزان، پرسش و پاسخ، مشاهده و تشویق باشد یا حتی در مواقع هدایت آنان یا کمک به آنها انجام گیرد و میزان موفقیت و کسب قدرت آنها را در ادامه و پیشرفت کار مشخص کند. این کار جز با فرایندی مداوم امکانپذیر نیست و نباید به صورت یک فعالیت جداگانه و با استفاده از آزمونهایی خاص انجام بگیرد و به عواملی بستگی دارد که مهمترین آنها عبارتند از: درک و شناخت عملی که انجام می‌شود، چگونگی پاسخ به آن، ماهیت شنونده یا پاسخ دهنده، علاقه و توجه به عمل مورد نظر، دانش و درک زبان آموز از موضوع، تبحر زبانی، جنس و شخصیت فرد و گروهی که عضو آن است، تجربیات قبلی و جو کلی کلاس درس.^(۱)

بنابراین، ممکن نیست معلم بتواند قبل از کلاس دقیقاً مشخص کند که آیا زبان آموزان در شرایط موجود صحبت می‌کنند یا خیر. البته نوعی انتظار کلی وجود دارد، ولی شیوه صحبت کردن آنها ممکن است کاملاً متفاوت باشد. با توجه به مشاهدات، تماشای فیلمهای تهیه شده از کلاسها و تحلیل متون نوشته شده، هررویکردی در ارزیابی گفت و شنود محدودیتهایی دارد و نمی‌توان معیارهای از پیش تعیین شده ثابتی به کار برد. در طی آموزش، یادگیری و ارزیابی گفت و شنود، مهمترین و حساسترین فعالیت ارزشیابی نیست، بلکه داشتن طرح و برنامه است: طرحی برای اجرای گفت و شنودهای هدفمند در کلاس درس، طرحی برای خود به خودی کردن گفت و شنود در بین زبان آموزان، طرحی برای مشاهده و ثبت و ضبط کارهای آنها و

طرحی برای جمع‌آوری مدارک تا امکان قضاوت صحیح فراهم شود. ارزیابی باید فرایندی مداوم در جهت تقویت تدریس، یادگیری و اجتناب از هر نوع برجسب زدن و تحقیر باشد و به معلمان و مسئولان امکان دهد تا از آن برای بهبود یادگیری و بحث درباره ماهیت زبان و آموزش آن استفاده کنند. در ضمن، در تدریس کلاس گفت و شنود نکات زیر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد (طرح ملی بیان):

۱. آیا انواع گفت و شنودها ممکن است و زبان آموزان میل به شرکت در این فعالیت را دارند؟

۲. آیا امکان گروه‌بندی آنها برای گفت و شنود هست؟

۳. آیا کلاس درس برای این فعالیت مناسب است؟

۴. آیا وقت کافی برای صحبت کردن وجود دارد؟

۵. آیا وسایل لازم برای ضبط صحبت‌های آنها وجود دارد؟

۶. آیا زبان آموزان آماده فعالیت در این فرایند هستند؟^(۱)

آنچه مسلم است، معلم باید قبل از شروع به کار نکات فوق را بررسی کند و بکوشد اگر معایبی در کار هست، آنها را برطرف کند و محیط یادگیری را آماده سازد. در این راه، ملزومات بسیاری لازم است که معلم باید آنها را تشخیص داده، بررسی کند و فراهم آورد. به طور کلی، معلم با تنظیم و فراهم کردن جوّ خلاقیت و ایجاد انگیزش در زبان آموزان، به آنها فرصت گفت و شنود می‌دهد و به مشاهده و ارزیابی می‌پردازد. البته مشاهده به مفهوم کلی آن شامل استفاده از وسایل سمعی و بصری برای ضبط گفتگوی زبان آموزان و بررسی دقیقتر آنها در کلاس یا در منزل است. هدف از این کار، استفاده فوری و دراز مدت از مشاهدات معلم یا همکاران اوست تا در صورت نیاز، برای رفع موانع، از همفکری دیگران نیز استفاده شود. فرصت کافی برای بررسی، کار ارزیابی را دچار قضاوت‌های عجولانه نمی‌کند و معلم نیز وقت برای یادداشت کردن نکات و احتمالاً یادآوری آن به زبان آموزان یا دادن تمرین‌های لازم برای استفاده بهتر از زبان، خواهد داشت. حتی

1. Ibid, p.66.



زبان آموزان با دیدن فیلم یا شنیدن نوار، پی به اکثر مشکلات زبانی خود می‌برند و در رفع آن تلاش می‌کنند و از تکرار آنها اجتناب می‌ورزند. در مرور فیلمها، بررسی گفت و شنود از ارزیابی عینی‌تر و کارآمدتری برخوردار خواهد شد و توجه زبان آموزان به نقش صحبت کردن در یادگیری و درک مطلب جلب می‌شود. در این راستا، می‌توان نکات زیر را در ارزیابیها مورد توجه قرار داد: (۱)

۱. کار هر گروه را حدود پنج دقیقه ضبط کنید و سپس آنچه را انجام داده‌اند مرور و بررسی کنید؛
۲. روی یک زبان آموز تمرکز کنید - این عمل می‌تواند به خاطر دقت یا صحت کلام یا موارد دیگر باشد؛
۳. زبان آموزان را تشویق کنید که صحبت‌های خودشان را ضبط و ارزیابی کنند؛
۴. از زبان آموزان بخواهید صحبت‌ها را یادداشت کرده، در آن، مواردی را که به یادگیری آنان کمک می‌کند مشخص کنند و توضیح دهند؛
۵. پوشه‌ای از یادداشت‌های مربوط به نکات مشاهده شده تهیه کنید؛
۶. نواری از خلاصه گفت و شنودها تهیه، و درباره آن اظهار نظر کنید. (۲)

موارد فوق می‌تواند منابعی دقیق و دست اول فراهم آورد و اطلاعاتی کافی درباره موفقیت زبان آموزان در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد. در هر صورت، نوارهای ضبط شده از صحبت‌های آنان، مشاهدات و نظرهای معلم و افراد دیگر منبعی مفید و قابل نگهداری و استفاده در آینده است. این نوع مدارک نه تنها امکان تجدید نظر و تعمق بیشتر در کارهای انجام شده و مرور و اصلاح آنها را فراهم می‌آورد، بلکه ارزیابی پیشرفت و تداوم یادگیری و موفقیت را نیز بهتر می‌کند.

اگر معلمی بخواهد از موفقیت‌های زبان آموزان خود خلاصه‌ای تهیه کند که شامل کاربرد مؤثر زبان، شرکت در بحثها و فعالیتهای گروهی، قصه گفتن و توضیح مطالب، سخنرانی، اجرای نقش، تسلط بر زبان و دیگر موارد باشد، باید به هر زبان آموز توجه خاصی مبذول کند و رشد زبانی او، ارتباط زبانی او با دیگران و درک گفت و شنود، استعداد و درایت خاص او و حتی مشاهده جنبه‌های مهم کار را مد نظر قرار دهد. نکته بسیار مهمی را که «طرح ملی بیان» در این باره خاطر نشان

1. N.O.P; "Talking and Assessment Secondary in English", English Teaching ed. Brindly, London: O.U.P.; p.68.1995,
2. G.Wells; through Learning Interaction, Cambridge: C.U.P., 1981.

می‌سازد، تفاوت بین «صحبت کردن» است و «آنچه از صحبت بر می‌آید».^(۱) اصطلاح اول به معنی رشد تواناییهای اجتماعی و ارتباطی و نه رشد ذهنی حاصل از بحثهای گروهی زبان آموزان است، در صورتی که دومی به معنی درک صحیح و کسب بینش از گفت و شنودهای گروهی است که غالباً پنهان و غیرقابل رؤیت است و به شناخت و فعالیتهای خلاق ذهنی مربوط می‌شود.

البته ارزیابی واقعی مستلزم فعالیت همه جانبه معلم، والدین، زبان آموزان و دیگر معلمان است تا نوارهای ضبط شده و مدارک لازم را گردآوری کرده، با یاری هم و بدون هیچ نوع تعصب و تعللی، برای بررسی، ارزیابی و پیدا کردن راه حلهای بهتر و راحت‌تر در جهت تشریح مساعی زبان آموزان و به صحبت درآوردن آنها، تلاش کنند. رفع هر نوع مشکل زبانی با بررسی موارد ثبت شده و یافتن علل آن امکانپذیر است و اطلاعات موجود برای ارزیابی بسیار ارزشمند بوده، می‌تواند بازخورد مناسبی در جهت پرورش این مهارت زبانی باشد.^(۲) اما اگر آموزش و یادگیری گفت و شنود در زبان خارجی خوب انجام گیرد، حاصل آن دوزبانگی است و در نتیجه، تمام زبان آموزان از نقش صحبت کردن در یادگیری زبان آگاهی بیشتری پیدا کرده، برای کسب مهارت در آن تلاش می‌کنند و گفت و شنود به عنوان یکی از اصول و ارکان زبان آموزی گسترش می‌یابد. دوزبانگی برای کودکان یک مزیت است و فواید زیادی دارد. علاوه بر آن، تبحر در استفاده از یک زبان خارجی می‌تواند فرصتهای خاصی در مدرسه و خارج از آن فراهم آورد که حاصل آن تفاهم و شناخت گسترده‌ای از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی و تجربی است.^(۳) هماهنگ کردن برنامه درسی برای یادگیری مؤثر زبان و ایجاد فرصت کافی برای زبان آموزان جهت تمرین به طوری که تعامل گروهی را فراهم کند، یکی از وظایف هر معلم است و برای رسیدن به این هدف، موارد زیر می‌تواند مؤثر باشد:

1. N.O.P. "Teaching, Talking Learning", key N.C.C., Three, Stage and 1991.
2. J. Charles & Alderson Alan Evaluating Bretta; Second Education Language Cambridge: C.U.P., 1992.
3. G. Saunders; Billngual Children: Guidance for Family, the Multilingual Matter, 3, 1982.



۱. زبان آموزان را در سطح ذهنی مناسب برای یادگیری، تشریح مساعی، گوش دادن و درک مطلب، بدون اجبار به صحبت کردن تا زمانی که آماده شوند، قرار دهید؛ چون زبان باید اول دریافت و درک شود و سپس به مرحله تولید برسد.

۲. در گفتگوهای مربوط به وقایع و مواردی که زبان آموزان درگیر آن هستند شرکت کنید؛ چون طبیعی‌ترین شیوه کار برای تشویق آنها و حتی بررسی جنبه‌های مختلف کار است.

۳. زبان آموزان زبانی را بهتر یاد می‌گیرند که آن را بشنوند. در بین دو زبانه‌ها بعضیها فصیحتر از دیگران هستند.

۴. زبان آموزان با استفاده از زبان در شرایط مختلف بر کاربرد آن تسلط می‌یابند. تمرین و صحبت به جای تکرار بی‌معنی، بسیار مفیدتر است. ۵. زبان آموزان باید ساختارهای فراگرفته را در گفتار تمرین کنند و بکوشند مفاهیم مورد نظر را بیان کنند. اگر فعالیتها با درک و دقت انجام شود، زبان اول دخالت نکرده، میزان دخالت آن به حداقل می‌رسد. (۱)

خلاصه آنکه، معلم باید در نظر داشته باشد که آنچه برای او مفید قلمداد می‌شود ممکن است با آنچه برای زبان آموزان سودمند و مفید است کاملاً تفاوت داشته باشد. دو زبانی حس بی‌اعتمادی و ناتوانی را کاهش می‌دهد و فرد را برای بیان نظرهای خود به یکی از دو زبان توانا می‌سازد. ارزش گفت و شنود و آموزش آن به زبان آموزان نقش مهم زبان را نشان می‌دهد؛ چون آگاهی بر یک زبان به افزایش و کسب دانش در دیگری کمک می‌کند. طی سالیان دراز، مشاهده شده است که بعضی از زبان آموزان به سطحی بسیار نزدیک به اهل زبان می‌رسند و زبان خارجی را با مهارت و زیبایی تمام به کار می‌برند. بررسی فعالیت‌های آنان و تشویق دیگران به همان نوع فعالیتها امکان بهبود وضع آموزش زبان را چند برابر می‌کند. انگیزش و داشتن هدف باید سرلوحه تعالیم معلمان قرار گیرد و اگر زبان آموزان کمترین موفقیتی به دست آورند، دیدگاه و نوع تلاش آنها تغییر می‌کند و برای کسب مهارت‌های بیشتر و بهتر می‌کوشند.

باشد که هر چه سریعتر معلمان و زبان آموزان با هدف یادگیری و دانستن زبان به معنی واقعی و نه درباره زبان، کار خود را ادامه دهند و به نتیجه مثبت، یعنی داشتن توان استفاده از زبان، برسند. (۲)

1. Diand Cinamon; Bilingualism and Teaching Oracy" ed. Brindly, English, O.U.P., 1995. London:
2. S. Wiles, a "Learning Language", Second Magazine, English ed. Wilkinson, O.U.P., London: 1985.